

«با شهید خوش لفظ کجا و چطور آشنا شدید؟
ازسوال‌های دور در محله شترگلوی هنرستان، بچه محل و همسایه بودیم، اگرچه مدرسه‌امان از هم جدا بود اما همسایه دیوار به دیوار دلم شده بود در فرآقت.بجوبحه پیش از انقلاب بود و با علی و شهید بهرام عطایان در میازرات انقلابی ریشه دواندیم و جنگ شد و دوشادوش بود و داوطلب رفتن به جبهه شدیم.در اوایل پیروزی انقلاب، ۱۴ ساله بودیم اما انقلاب کاری با جوانان و نوجوانان کرده بود که سن و سال بی‌معنا شده بود و جریزه و شجاعت و دلاورمردی جای آن را گرفته بود.

آن روزها امنیت در کوچه و خیابان شهر دغدغه بود و چون هنوز نیروهای انتظامی و نظامی، استسجام و سازماندهی دقیقی نداشتند از نیروهای کمیته برای این منظور استفاده می‌شد، من و علی هم مدتی در تیم‌ها تأمین امنیت و حفاظت محلات حضور یافتیم و با هم در کمیته فعال شدیم.

جبهه و جنگ تمام هم و غم آن روزهای ما و بسیاری از جوانان بود و علی تا پایان جنگ، زخم‌ها و جراحات بسیار از این رهگذر به خود دیده بود قول دوستان از هر عملیات، یک نخود بر می‌داشت حالا گاهی این نخود تر کش خیمپاره بود و گاه گل بمبهای شیمیایی.

«دوستی‌تان تا کجا تداوم یافت؟ بعد از جنگ هم همان قدر صمیمی بودید؟

شهید خوش لفظ بعد از جنگ در سپاه انصارالحسین(ع) همدان مشغول به کار شد اما من خارج از فضای نظامی کار و زندگی می‌کردم البته پس از مدتی او هم فضای کاری خارج از درجه و سردوشی و اسم و رسم را ترجیح داد و از این فضا جدا شد اما از تباط و ما در هر حال، صمیمانه و برادرانه از زمان شهادت‌اش تداوم یافت و در آخرین ملاقات‌مان، حدود یک ماه پیش از شهادتش باهم به دیدار حضرت آقا رفتم.

«از ماجرای آخرین دیدار با شهید خوش لفظ برامیان بگویید.

یک ماه پیش از شهادت‌ش به دیدار مقام معظم رهبری رفته بودیم و آقا با همان طمأنینه و آرامش، با همان لبخند و حرف‌های دلگرم‌کننده‌اش برای ما خاطراتی به‌یادماندی ساختند و تصاویر آن دیدار حالا همه جا جامنتشر شده‌است.

چند روز بعد از این دیدار، به من زنگ زد و با ناراحتی به من گفت آقا خیلی تنهات، آن روزها نگرانی‌هایی در مسائل سیاسی کشور و برجام بود که علی را به شدت نگران کرده بود. احساس می‌کرد حرف و سخن رهبری روی زمین مانده است و کسی پشتیبانش نیست، مدام به ما تلنگر می‌زد که آقا را تنها نگذار.بدو حتی گاهی به ما می‌گفت آقا جدی و محکم و پشتیبانی از آقا وارد شده بودید، انتخابات ریاست جمهوری طور دیگری رقم می‌خورد و بحث برجام و مذاکره با آمریکا پیش نمی‌آمد و حرف ایشان روی زمین نمی‌ماند.

• چند روز بعد از

دیدار با رهبری

به من زنگ زد و

با ناراحتی به من

گفت آقا خیلی

تنهاست. آن

ز راه بیگذلو – خبرنگار کیهان در همدان:

سالی گذشت و زخم‌های تنش به دلم ما زخم نشاند اما او که نامش علی و شهرتش خوش لفظ بود خوش‌معنا و خوش زخم بر آستان حضرت دوست حاضر شد و اخلاص، او را خوش عاقبت کرد.

این روزها اولین سال‌روز عروج «علی خوش لفظ» را پشت سر می‌گذاریم که رهبر خوبان، عنوان خوش زخم و خوش معنا هم به او داده بود.او سال‌ها با درد رنج جراحات جنگی و نین زخم خورده از بمب‌های شیمیایی زندگی کرد و دم بر نیآورد چون همه جانش لبریز از شوق وصال بار بود و حالا به آرزو و خواسته دیرین رسیده‌است.علی خوش لفظ، شخصیت اصلی کتاب وقتی مهتاب گم شد حالا یک سال است به هم‌زمان شهیدش پیوسته و ما تلاش می‌کنیم او را در کلام یاران حاضرش جست‌وجو کنیم.

وقتی دردهای جانبازی را از یاد می‌برد…

کریم مظهری از آن‌هاست که شمار دوستان و یاران جبهه دیده‌اش از حساب گذشته و از هر کدام خاطره و حالات و تپاوت و شاید داغ هجران برایش به یادگار مانده‌است. دوست دیرین شهید خوش لفظ بوده و حالا گنجینه‌های از اسرارزی است که در قفسه سفر کرده پیش او به یادگار گذاشته‌است، با او گفت‌وگو کردیم تا شاید در کلام او «علی خوش لفظ» را دوباره ببینیم و بشناسیم.

به مناسبت اولین سالگرد شهادت راوی «وقتی مهتاب گم شد»

«خوش لفظ»

سرآپا اخلاص

بود

شهید بقدری صمیمانه بود که از کودکی او را عمو خلاب می‌کردیم و انصافاً هم مثل برادر به پدر ما و مثل عمو به ما نزدیک بودند.صمیمانه با او زندگی و معاشرت می‌کردیم و از هر ورق زندگی سراسر معنای شهید، درس می‌گرفتم که بسبب ساری از جلوه‌های زیبای زندگی این شهید را در کتاب «وقتی مهتاب گم شد» می‌توان خواند و لمس کرد.

«شما به‌عنوان یک نویسنده، زندگی و شخصیت شهید خوش لفظ را چگونه ازبازی و تحلیل می‌کنید؟

هر کسی با مطالعه کتاب «وقتی مهتاب گم شد» سیر تکاملی شهید خوش لفظ را درک خواهد کرد؛ نوجوانی که هم شیفت‌های خود را دارد و هم در بستری مناسب، از انرژی و شور جوانی برای خودسازی درونی و اثرگذاری در جامعه بهره برده‌است.در تهذیب نفس شهید، به

• برای گریز از هر عنوان و درجه و

شنیدن چنین عناوینی برای خود گوشه

دنچ یک داروخانه در زیر مجموعه سپاه

را برای کار برگزیده بود.



یقین حساسیت فوق‌العاده مادر وی از کودکی بی تأثیر نبود‌است چراکه مادر ایشان تمام محبت خود را بر تربیت اسلامی فرزند خود معطوف کرده‌بود.جنگ، یکی دیگر از آن ایتم‌ها بود که شرایط تازه‌ای را پیش روی شهید قرار داد و از دوستان و هم‌زمان، ویژگی‌های متعددی را وام گرفته و در خود پرورش داده بود به عنوان مثال، از شهید علیمحمدی ویژگی «معصومیت» او را برجسته کرده و از شهید دیگری که کارگر و هم‌رزم بوده «تبعیت از فرمانده» و «پستادگی» را آموخته بود و بسیار دین‌دوست‌ها از دو مراد خود «حجت‌الاسلام حمید ملکی» و «آیت‌الله سید رضا فاضلین» گرفته بود.اما بسیاری از این ویژگی‌ها که در شهید نهاده‌شد شده بود سال‌ها در او پنهان بود و نمایان نمی‌شد تا زمانی که رهبر انقلاب بر تبیین شرایط رزم ۸ ساله می‌گویند و شهید برای تشریح آن شرایط، ابعادی از زندگی خود را که در آن سال‌ها و روزگار گذشته شکفته و بیان می‌کند.

«چرا شهید خوش لفظ با همه باسابق درخشان و تجارب ارزنده‌ای که داشت و می‌توانست در محیط نظامی بسیار اثرگذار باشد؟شغال در یک داروخانه را انتخاب کرده بودند؟

همه توافع و خودسازی که شهید در خود داشت شاید در همین انتخاب نمایان شد که برای هرپیز و گریز از هر عنوان و درجه و شنیدن عناوینی مثل سرگرد و سرهنگ و قربان گوشه دنچ یک داروخانه را در زیر مجموعه سپاه بر

فوتبال کشورمان است.

مطالعه این اثر ارزشمند چنان غرور و عزتی به مخاطب عرضه می‌کند که وی ناخوداگاه آرزوی می‌کند کاش در آن مقطع حضور داشت و می‌توانست در جمع قهرمانان آن حماسه عظیم یعنی راهاندازی یگان موشکی کشور در اوج جنگ تمثیلی در حد یک سرباز نگهبان به آنان کمک می‌کرد. این اثر در حدقابل برای راقم این سطور در حد یک حسرت عمیق بیجا مانده است، تا جایی که حین مطالعه کتاب خانخدا می‌کردم صفحات پایانی «خط مقدم مبارزه» کش بیاید و زود تمام نشود؛ تا بیش از پیش بر ایرانی بودن خودم افتخار کنم و از دانش هموطنانی چنان دلاور بر خود بیالم. من این کتاب ۵۹۰ صفحه‌ای را چند روز بی‌دری خواندم و لذت بردم تا تمام شد.جذابیت کتاب به گونه‌ای بود که به قول کتابخوان حرفه‌ای نمی‌شد آن را زمین گذاشت.

شایان ذکر است که تأکید کنم حین مطالعه این اثر اگرقتدر تاالآن و تا همیشه، این افسوس بر جانم جان خواهد ماند که کاش مسئولین فعلی دولتی در ماجرای جری قبل از انجام هر گونه مذاکره، این کتاب ارزشمند را مطالعه می‌کردند و با چگونگی توکل و اقتدار فرزندان ایران اسلامی آشنا شده‌اند تا شاهد فضاحت فعلی در زمینه سیاست خارجی نباشیم، هر چند که دل خوش داریم با درایت رهبری فرزانه از این بیخ تاریخی نیز عبور کرده و ننگ بیجا مانده از بی‌تدبیری مذاکره کنندگان برجام را پشت سر خواهیم گذاشت.

در خاتمه از روی می‌کنم متصدیان فرهنگی، نظامی و علمی مرتبط با موضوع در کشورمان با عنایت ویژه به این اثر ارزشمند میانه‌تی ببیندیشند به عنوان سندی از عزت، اقتدار، خویباری، ایمان، مجاهدت، تلاش، اعتماد به ایران و ایرانی و او همه مهمتر اعتماد و اعتنا نکردن به دول خارجی در موضوعات مهم و حساس کشور، این کتاب در مدارس و دانشگاههای کشور تدریس شود و نسلهای بعدی و مدیران و متخصصان آینده کشورمان ضمن آشنایی با سندی از اقتدار پیشینیان خود، با عزمی جزم بدوین دستگی به بیگانه، به ساختن و آباد کردن کشور بپردازند. ان‌شاءالله.

امیرحسین انبارداران

صفحه ۸

یک‌شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۷

۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۰۰ - شماره ۲۳۰۹۳

گزارشی از حضور فرزندان شهیدای مدافع حرم در جشن ۶۳ سالگی کیهان بچه‌ها

پرواز شاپرک‌ها

محمد عزیزی (نسیم)

من نیز می‌خوانم نماز

امروز او بعد از نماز

بر روی مهرش بوسه کانت
در راهم، جلوی نگهبانی به جوان خوششروی که
آن مهر را برداشت او
بر روی چشمانش گذاشت

پرسیدم از مادر: «مگر

این مهر تو مال کجاست؟»

او گفت: «این مهر شنگ
از خاک پاک کربلاست!»

در حال اجرای برنامه هستیم که یک دفعه، مدیر مسئول کیهان، آقای شریعتمداری وارد دفتر کیهان بچه‌ها می‌شود. با عروسک‌ها به او سلام می‌کنیم، لیخند بر لبان آقای شریعتمداری و میهمانان جشن، نقش می‌بندد.

آقای دانشور هم عکس می‌گیرد و هم خیلی مواظب کیک تولد است. چند تا از کوچولوها را می‌بینم که خوششان را در کیک رسانده‌اند و به آن ناخک می‌زنند!

وقتی فرار می‌شود عکس بگیریم همه بچه‌ها و همراهان را صدا می‌زنیم تا بیایند. آقای محمد حسین صلواتیان مدیر مسئول کیهان بچه‌ها اول به

میهمانان خوش آمدید می‌گوید و بعد از ۶۳ سالگی کیهان بچه‌ها می‌گوید و مقدس بودن این عدد به دلایل سن پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع).

برای بانمک شدن برنامه، یک عروسک بزرگ هزارپا را هم آورده بودیم. آن را در یک طرف سفالی بزرگ مخفی کرده بودیم. وسط برنامه

آقای شفیع که از مربیان هنرمند است، از جایش بلند شد و گفت: «ما قان یک بسته دارم!» همه برگشتند و کنجکاونه به ظرف سفالی نگاه کردند.

وقتی ظرف را در دست گرفتیم و هزارپای بزرگ با آن همه جوراب رنگارگ را بیرون کشیدیم، بچه‌ها با شادی به آن نگاه می‌کردند و منتظر بودند ببینند کی پاهای آخر هزارپای بیرون می‌آیند!

به یادگار شدن نگاه می‌کنم و از لبخندشان شاد می‌شوم. در کنار فرزندان شهید قاضی‌خانی، رضوانه باغبانی، اسماء حسینی، رحانه و فاطمه پورننگ



قاضی‌خانی تا برگه را می‌گیرد می‌گوید: «من داضح را می‌کنیم!» آقای دانشور(سرمدبیر کیهان بچه‌ها) هم سریع می‌گوید: «داضحی را باید کشت!» یادم می‌آید ظلمی که داضعی‌ها در حق اسلام و مسلمانان کرده‌اند، صفحات سیاهی را به تاریخ اضافه کرده است.

دوست نوجوان‌مان محمد صالح شفیع که به همراه پدرش، از دبستان رفاه میهمان جشن شده‌اند، با صدایی دلنشین قرآن می‌خواند. جشن شروع شده و من ماندم این همه عروسک را چطور می‌روی صحنه بیابوم، می‌خواهم از صالح کمک بگیرم. او می‌آید و عروسک بره سفید را می‌گیرد. در همین موقع نهال از جایش بلند می‌شود و می‌گوید: «من با خوشحالی می‌گویم: «بله که می‌شود!» بعد از نهال، بقیه بچه‌ها هم یکی یکی می‌آیند و عروسک‌ها را در دست می‌گیرند. از خوشحالی می‌شود چکار کنیم فقط در دلم می‌گویم: «خدایا! من به دیدار کیهان بچه‌ها می‌کنم. عکس زنده‌یاب آقای امیرحسین فردی را می‌بینم. انگار آقای فردی هم خوشحال است.

چند عکس یادگاری می‌گیریم، زمان خداحافظی می‌رسد. بچه‌ها دست مادران‌شان را می‌گیرند و از کیهان بچه‌ها می‌روند. دفتر محله خالی می‌شود اما لبخند فرزندان شهادی مدافع حرم در باغ کیهان بچه‌ها یادگاری می‌شود.

مدرن دشمن که شامل بیست درصد هواییماهای موجود در نیروی هوایی عراق بود. این عملیات همچنین ضربه سنگینی به نیروی هوائی دشمن وارد نمود و تا مدت‌ها از فعالیت موثر آن در منطقه کاسته شد. در مقابل، جان تازه‌ای به کالبد نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران دمیده شد. اسارت دوهزار و ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن، آزاد سازی بیش از ۱۶۰ کیلومتر مربع از اراضی شرق صبره و استقرار در ۱۰ کیلومتری صبره و پانصد مترى ناسبات پرتوشمی صبره.

آثار بین‌المللی پیروزی در عملیات کربلای ۵

با ظهور غلام شکست دشمن، ناو هوایما بر جان اف کندی با تجهیزات کامل برای نجات نیروهای عراقی به منطقه اعزام شد. حضور فعال ناوگان‌های نظامی آمریکا و انگلیس و فرانسه و شوروی به منظور حمایت از صدام و نیروهای نظامی عراق و دخالت در جنگ به نفع عراق برای جلوگیری از شکست قطعی عراق، به نحوی که این اعلام کردند تمام کاروان‌های نفتکش اعزامی به بندر کوهی حوزه تولید فاسرک به متحذ عراق در جنگ بودند به خاطر جلوگیری از حمله نیروهای ایرانی به آنها اسکورت خواهند نمود، چرا که ایران اعلام کرده بود در صورتی که عراق کاروان‌های تجاری و نفتکش ما را مورد حمله قرار دهد ما متقابل به مثل خرابی کرد و متحذان آن را هدف حمل شید. یک ماه بعد، به همین منظور نیروی دریایی سپاه پاسداران هم‌زمان با عملیات کربلای ۵ به منطقه اعزام گردید.

تصویب قطعنامه ۵۹۸ توسط شورای امنیت سازمان ملل و تأکید بر بخش مهمی از حقوق جمهوری اسلامی ایران و آن همه موفقیت، مروهن ایتار خانواده شهید و جانبازان و آزادگان و ابتکار نگران کشور بود که موجب برقراری امنیت کامل کشور ما شد.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی یاد چشید.

عبدالله حنیفه‌زاده

شبه جزیره فو و منطقه امرضاه: که عملیات کربلای ۴ در آن منطقه رخ داد و باخبات عوامل نفوذی (منافقین) و همچنین همکاری نتگانگ اطلاعاتی و عملیاتی نیروهای ویژه آمریکا و عراق موفق بود که به نحوی که بنا به اعتراف فرماندهان عراقی پس از جنگ که اظهار داشتند با مکتب‌ها و فیلم‌های اسرالی توسط ماهواره‌های آمریکا در خلیج‌فارس و از طریق سفارت ارمن در اختیارشان قرار گرفته بود آنها توانستند حتی ساعت شروع عملیات بزرگ کربلای ۴ را تشخیص داده و مقابله نمایند. برای نمونه اعترافات سرلشکر رفیق سامری رئیس‌دایره ضابطالاعات ارتش عراق بر این مطلب صحه گذاشت.

شروع عملیات کربلای ۵

تاریخ شروع عملیات ۱۹/۵/۱۳۶۵، ساعت شروع عملیات ۲۲:۰۰، منطقه عملیات: منطقه عموغلیه منتهی‌المرجعه و جنوب شرقی صبره، رمز عملیات: بازره(اس)، استعداد نیروهای دشمن اعزام شده بود از لشکر عملیاتی مهم و بزرگ ستفان در منطقه به علاوه یگان‌های گارد ریاست جمهوری عراقی و بخش دیگر از یگان‌های ارتش عراق که از جنبه‌های مختلف به کمک این دو لشکر مهم آمده بودند.

استعداد نیروهای ایرانی ۲۱۵ هزار نفر که تحت فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء عمل می‌نمودند. این قرارگاه با تشکیل سه قرارگاه فرعی به نام‌های قرارگاه کربلای ۴ قرارگاه نجف و قرارگاه قدس.

می‌توان گفت بخش اعظم توان نیروهای مسلح ایران به این عملیات بزرگ اختصاص یافت تا بتوانیم حداکثر نتیجه از آن را حاصل نماییم.

نتیجه عملیات

کشته و زخمی شدن بیش از ۹۰ هزار نفر از نیروها و انهدام ۱۱ تپ و گردان دشمن، انهدام ۷۰۰ دستگاه تانک و نفربر و انواع ماشین آلات سبک سنگین دشمن یعنی عراق، انهدام ۶۰۰ قیضه انواع توپ‌های ضدهوایی، انهدام ۴۰۰ دستگاه سلاح سنگین و نیمه‌سنگین دشمن و سرنگونی بیشتر از ۸۰ فروند هواییماهای چندنده